

تخت گاز در مزرعه

مستند «مزرعه کلار کسون» پر از موقعیت‌های بدیع است

ندا زندی

مبتدی است، مدام از کود، آفت، نحوه نگهداری از مرغ و گوسفند بگوید و کار با ابزار آلات کشاورزی بیشترین دغدغه‌اش باشد، احتمالاً نباید توقع داشت که مخاطبان زیادی پای تماشایش بنشینند. اما فصل اول مجموعه مستند ۸ قسمتی «مزرعه کلار کسون» تمام این احتمالات را به کلی منتفی کرده است.

تماشای مستند برای خیلی‌ها مثل خوردن غذای بی‌نمک است. برای این افراد دیدن واقعیت بدون چاشنی تخیل، قصه، میزاسن‌های از پیش طراحی‌شده و حضور بازیگران مشهور نه سرگرم‌کننده است و نه جذاب. حالا اگر مستندی درباره فرایند کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی باشد، وقایع آن در یک مزرعه چند هکتاری بگذرد و راوی که کشاورزی

درس‌های شهرت

به غیر از این دو نفر، جرالد هم هست که صحبت‌هایش هیچ سروته ندارد و کلار کسون که از درک حرف‌هایش عاجز است، فقط به او می‌خندد. کلار کسون جرالد را مسئول امنیت مزرعه و نگهداری از ماشین‌آلات کشاورزی می‌کند. انتخاب فردی که حرف‌هایش معنی ندارد و بی‌هوش و حواس به‌نظر می‌رسد به‌عنوان مسئول امنیت یکی از آن شوخی‌های خبیثانه کلار کسون است. جز این، جرالد در ساخت‌وساز پرچین سنگی و کارهای دیگر هم به کلار کسون کمک می‌دهد اما بارزترین ویژگی‌اش همان زبان بی‌سروته است که شاید اشاره‌های کنایی به نوع رابطه کلار کسون با محلی‌ها باشد. محلی‌ها از حضور کلار کسون در آن منطقه راضی نیستند و معتقدند او با خودش بی‌نظمی و آشفتگی می‌آورد و روال آرام زندگی در این ناحیه روستایی را برهم می‌زند. تا حدی هم حق دارند؛ کلار کسون شخصیتی مشهور و محبوب است و وقتی در یکی از قسمت‌ها خبر افتتاح فروشگاه محلی‌اش با محصولات مزرعه خودش را در توییت اعلام می‌کند، صف طول و درازی از اتومبیل‌ها به منطقه کاتس ولدز سرازیر می‌شود و خود کلار کسون هم از جمعیتی که برای خرید از فروشگاهش آمده، حیرت می‌کند.

روح بیدار قانون

یکی دیگر از شخصیت‌های این مجموعه مستند که در هر قسمت حضوری کوتاه ولی مؤثر دارد، مرد همیشه‌خندان آشنا به قوانین و مسائل تخصصی زراعی، چارلی است. او در بزنگاه‌ها ظاهر می‌شود تا کلار کسون را در حل مشکلاتی که عمدتاً خودش به‌دست خودش به‌وجود آورده یاری دهد و او را از مسائل قانونی و حقوقی‌ای که سرراهش قرار دارد آگاه کند. چارلی با قوانین و منطق کار آشنایی کامل دارد و تضاد توصیه‌ها و راهکارهای قانونی‌اش با ایده‌های خام کلار کسون موجب خلق موقعیت‌های کمیک می‌شود. بعد از یکی دو قسمت، هر بار که کلار کسون تصمیم می‌گیرد یکی از آن ایده‌های رندانه و ظاهرابه‌صرفاش را در مزرعه عملی کند، تماشاگر منتظر است که چارلی از راه برسد. چارلی را باید به نوعی نماینده قانون و حساسیت‌های روزافزون به وضعیت محیط‌زیست دانست. قوانین متعدد و متنوع کشاورزی که باید در مزرعه کلار کسون به‌طور دقیق رعایت شود، نشان می‌دهد چقدر نگهداری از زمین‌های زراعی در انگلستان جدی است و با بحرانی شدن تهیه مواد خوراکی و غذای آینده دور با نزدیک، کشورهایی که از حاصلخیزی خاک‌شان با اعمال نظارت دقیق محافظت کرده‌اند، دست بالا را در روابط بین‌الملل و تأمین رضایت و رفاه مردم‌شان خواهند داشت.

لورل و هاردی در مزرعه

«مزرعه کلار کسون» حاصل علاقه‌مند شدن جرمی کلار کسون، مجری و تهیه‌کننده مشهور بریتانیایی، به کار روی مزرعه بزرگ خودش است. کلار کسون، مرد شماره یک برنامه «تخت گاز» بود که خیلی‌ها او را پشت فرمان خودروهای قدیمی و جدید و در کنار ۲ همکار دیگرش در این برنامه، جیمز می و ریچارد هموند، به یاد می‌آورند. او که سال‌ها مزرعه‌اش را به فرد دیگری برای کار سپرده، تصمیم می‌گیرد در این خاک حاصلخیز که در منطقه سرسبز کاتس ولدز در مرکز انگلستان واقع شده، زندگی و کار کند و با همکاری کیلب، چارلی و چند محلی دیگر امور مزرعه‌اش را سرسازمان دهد. کیلب پسری جوان است که هیچ لذتی برایش بالاتر از کشاورزی نیست. او که تا به حال با به شهر نگذاشته، از کار کردن با ماشین‌آلات کشاورزی حظ می‌برد و وسواس زیادی در کشت و زرع به خرج می‌دهد. اختلاف سنی زیاد میان او و کلار کسون، بحث‌هایشان بر سر نحوه انجام کارها، حرص خوردن‌های کیلب از بی‌تجربگی کلار کسون در کشاورزی و تلاش‌اش برای بهبود اوضاع، کیفیتی شبیه به کلنچارهای لورل و هاردی پیدا می‌کند.

اخم هاتو باز کن!

مستندهای ایرانی باید شجاعت استفاده از طنز را داشته باشند

سعید خرسند

مستند «اون شب که بارون اومد» (کامران شیردل، ۱۳۴۷) و «تهران انار ندارد» (مسعود بخشی، ۱۳۸۸) ۲ مستند ایرانی هستند که به‌درستی و کاملاً هوشیارانه در مواجهه با موضوع‌شان لحن و رویکردی متفاوت با اغلب مستندها برگزیده‌اند. در حالی که اغلب مستندهای ایرانی سعی می‌کنند با استفاده از گفتاری جدی و گاه مطمئن و روایتی پرطمطراق به موضوع‌شان بپردازند، این دو مستند به‌درستی متوجه مزایای استفاده از طنز و ایجاد موقعیت‌های کمیک شده‌اند. البته در این زمینه باید امتیاز ویژه‌ای برای «اون شب که بارون اومد» در نظر گرفت. در دهه ۱۳۴۰ که مستندهای شاعرانه و آلت‌رانیو جریان غالب مستندسازی بودند، شیردل مستندی ساخت که با واقعیت شوخی می‌کرد و دستش می‌انداخت. این رویکرد در زمان خود در سینمای ایران تازگی داشت و هنوز هم اگر کسی چنین کند، تازگی دارد.

نمایش مفهوم زایش

در تمامی قسمت‌های این مستند، کلار کسون تلاش می‌کند تا دست به کارهای جدید و خلاقانه بزند اما ناآشنایی‌اش با کشاورزی، ناآگاهی‌اش از قوانین و نحوه کار با ابزار و... به خلق موقعیت‌های بامزه می‌انجامد و به این ترتیب مسائل خشک ولی مهم دنیای کشاورزی به خرده‌داستان‌های خنده‌دار و جذابی بدل می‌شود. جالب آنکه تمام این خرابکاری‌ها در نهایت نتیجه می‌دهد و جرمی با وجود وضعیت آب و هوایی بسیار بد و شیوع ناگهانی کرونا موفق می‌شود که محصولاتش را برداشت کند اما تنها سودی در حد چند پوند نصیبش می‌شود. حالا همان نظارت سختگیرانه دولتی از راه می‌رسد و با پول خوبی از او حمایت می‌کند. حضور کلار کسون در این مستند تنها برگ برنده آن نیست. گوین وایتهد، کارگردان مستند، به جای روند تولید بر مفهوم زایش و دلچسب بودن کاری که به ذات انسان نزدیک‌تر و از روند صنعتی دور تر است، متمرکز شده و تصویری نسبتاً واقعی از مصایب رؤیای بسیاری از شهرنشینان برای فرار از شهر و پناه بردن به دل طبیعت نشان داده است.

مجموعه مستند مزرعه کلار کسون در وب‌سایت شبکه مستند و تلویزیون بادوبله در دسترس است.

IMDb

9/10

Rotten Tomatoes

100%

Meta critic

68/100

